



قرن سوم هجری

خیزران مادر امام جواد (علیه السلام)

خیزران مادر امام جواد (علیه السلام)، (متوفی قرن 3 ه) از خانواده ماریه قبطیه، همسر رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اهل نوبه است، او را سبکیه نوبیه نامیده اند. کنیه اش ام الحسن و نام های دیگرش مریسیه، ریحانه و دره است. اهل نوبه، مسیحی بودند و به دنبال شکست آنان از مسلمین، سبکیه (خیزران) در زمره اسرا به عنوان کنیز فروخته شد، خیزران از برترین و فاضلترین و پرهیزگارترین زنان عصر خویش به شمار می رفت، و این شرافت و مقام را یافت که همسر امام رضا و مادر امام جواد (علیه السلام) گردد. این موقعیت نشانگر منزلت و ارزش او در درگاه الهی است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره او و فرزندش امام جواد (علیه السلام) فرمود: «يَا بِي ابْنُ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ النَّوَبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ؛ پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد که اهل نوبه و پاکیزه و مطهر است.»

موسی بن جعفر (علیه السلام) نیز به یزید بن سلیط فرمود: اگر توانستی سلام مرا به آن جاریه برسان.

حکیمه، دختر امام جواد (علیه السلام)

حکیمه، دختر امام جواد (علیه السلام)، (محدث، متوفی قرن 3 ه) همسر ابو الحسن محدث از احفاد امام سجاد (علیه السلام) است. این بانوی عالم و گرامی در خانواده عصمت و طهارت پرورش یافت و هنگام ولادت مولایمان، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه حضور داشت. حکیمه بارها آن حضرت عجل الله تعالی فرجه را در زمان حیات پدر بزرگوارش ملاقات کرد و از سفیران و رابطان امامت، پس از رحلت امام عسکری (علیه السلام) بود. درباره ازدواج امام عسکری (علیه السلام) با نرجس و ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه روایات زیادی از بانو حکیمه نقل شده است.

علامه مجلسی می فرماید: در قبه شریفه که مقبره عسکریین است، قبری منسوب به نجیبه، کریمه، عالمه، فاضله، تقیه، رضیه، حکیمه دختر ابو جعفر الجواد (علیه السلام) وجود دارد که نمی دانیم چرا با همه فضل و جلالت آشکاری که این بانوی گرامی دارد و محل اسرار امامت بوده، زیارتی برای او قید نشده است. سپس می گوید: سزاوار است که او را با الفاظی که مناسب مقام اوست زیارت کنید.

فاطمه معصومه (علیها السلام)

فاطمه معصومه (علیها السلام)، (محدث، متوفی 201 ه) فاطمه، دختر امام موسی کاظم (علیه السلام)، و خواهر امام رضا (علیه السلام) از پرهیزگارترین زنان شیعه بود و از زنان عالم و محدث بود و روایات متعددی از طریق ایشان در کتب حدیث شیعه و اهل سنت آمده است. ایشان در سال 201 ه یک سال پس از ورود امام رضا (علیه السلام) به مرو، برای دیدار برادر به قصد مرو بیرون آمد، اما در بین راه و در شهر ساوه بیمار شد. پرسید بین ساوه و قم چقدر مسافت است؟ گفتند ده فرسخ. خدمتکار خود را فرمود تا او را برداشته و به قم آورد و در خانه موسی بن جعفر خزرج بن سعد اشعری فرود آمدند.

به روایت دیگر و به نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی در تاریخ قم، به روایت صحیح چون شبانگاه خبر به آل سعد رسید، موسی بن خزرج به نمایندگی آنان، در همان شب از قم به قصد ساوه بیرون آمد تا ایشان را به قم دعوت کند. پس از دیدار حضرت و پذیرفتن دعوت وی، خود افسار شتر ایشان را گرفت و به سمت قم و به منزل خویش آورد. حضرت پس از هفده روز اقامت در خانه موسی بن خزرج و در حال بیماری بودند درگذشت. پیکرشان را غسل داده و کفن کردند و موسی بن خزرج بر ایشان نماز خواند و در باغ «بابلان» دفن کردند.

روایت شده است که حضرت صادق (علیه السلام) به گروهی از مردم ری که به دیدنشان رفته بودند خبر دفن یکی از نوادگان ایشان را در قم دادند و در فضیلت زیارت مرقد آن بانو تأکید نمودند. درباره عمر حضرت معصومه (علیه السلام) نیز روایات متفاوت است. سن ایشان را هیجده و بیشتر نیز نوشته اند. نظر به اینکه پدرشان، امام موسی کاظم (علیه السلام) در سال 179 ق به دستور هارون الرشید دستگیر و به زندانی شدند و چهار سال در زندان ماندند و همانجا به شهادت رسیدند و نیز حضرت معصومه (علیها السلام) در سال 201 از دنیا رفتند. سن ایشان

سمانه مادر امام هادی (علیه السلام)

سمانه مادر امام هادی (علیه السلام)، (محدث، متوفی قرن 3 ه) سمانه منقرش مغربی، مکنی به ام الفضل از برترین و بهترین زنان زمان خویش بود و کسی از زنان در زهد و تقوی و فهم و معرفت به پای او نمی رسید. بیشتر روزها روزه بود و این شرف و فضیلت را یافت که همسر امام جواد و مادر امام هادی (علیه السلام) گردد. به فرمان امام جواد (علیه السلام)، با مشخصات تعیین شده اش از برده فروشی خریداری شد، سمانه از بزرگ زادگان سرزمین خویش بود، اما به عنوان اسیر جنگی به سلک برده درآمده بود. امام هادی (علیه السلام) درباره اش فرمود: «أُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي، وَ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَفْرِبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَ لَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ هِيَ مَكْلُوءَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ لَا تَتَخَلَّفُ عَنْ أُمَمَاتِ الصَّادِقِينَ وَ الصَّالِحِينَ.» کنیزی عارف به حق (امامت) من و اهل بهشت است، شیطان سرکش به او راهی ندارد و نزدیکش نمی شود و مکر و حيله جبار سرکش به سمانه نمی رسد، تحت عنایت الهی است و غفلت در او راه ندارد. او را با مادران صدیقان و صالحان فرقی نیست. علامه قهپایی، سمانه را در زمره نساء راوی حدیث نام برده است.

سوسن، مادر امام حسن عسکری (علیه السلام)

سوسن، مادر امام حسن عسکری (علیه السلام)، (محدث، متوفی قرن 3 ه) نام های دیگرش: حدیث، حدیثه و سلیل است. وی در نهایت ورع و تقوی و عفاف و صلاح و بانویی عالم و محدث بود. امام هادی (علیه السلام) درباره اش فرمود: «سلیل مسلوله من الافات و العاهات و الارجاس و الادناس؛ سلیل، از بدی ها، پلیدی ها، زشتی ها و ناپاکی ها و آلودگی ها پاک است. شیخ صدوق به نقل از جابر در خصوص خبر لوح فاطمه (علیها السلام) می گوید: در آن لوح نام ائمه و مادرانشان ذکر شده، و نام مادر امام حسن عسکری، سمانه با کنیه ام الحسن قید شده است. مقام و فضیلت این بانوی گرامی از روایتی که شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم از حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) نقل کرده، آشکار است. شیخ محلاتی می نویسد: سوسن در ولایت خود پادشاه زاده بود. علامه قهپایی او را با نام حدیثه در زمره زنان راوی نام برده است.

نرجس خاتون، مادر امام زمان (علیه السلام)

نرجس خاتون، مادر امام عصر حجة بن الحسن (علیه السلام) (محدث، متوفی قرن 3 ه) و همسر امام حسن عسکری (علیه السلام)، نامش ملیکه دختر یشوعا، فرزند قیصر پادشاه روم و از نسل شمعون حواری و وصی حضرت مسیح (علیه السلام) است. نام هایی دیگر این بانوی گرامی، عبارت است از: ریحانه، نرجس، صقیل، سوسن و مریم بنت زید العلویه، و کنیه اش ام محمد بن حسن، و به جاریه (کنیز)، و ام ولد نیز معروف است. نرجس بانویی محدث، بسیار عفیف و پرهیزگار بود. برای او این مقام و مرتبه کافی است که مادر حضرت صاحب الزمان، آخرین حجت خدا و برپا دارنده قسط و عدل است. وی حامل اسرار الهی و نگاهدارنده، اشرف مخلوقات بود.

در حدیثی که صدوق از جابر، صحابی معروف رسول الله (صلی الله علیه و آله) از لوح یا صحیفه حضرت فاطمه (علیها السلام) نقل می کند، درباره نام مادر حجة بن الحسن می نویسد: «أُمُّ جَارِيَةٍ اسْمُهَا نَرْجِسٌ». وی در خواب دید که حضرت مسیح (علیه السلام) و شمعون وصی عیسی (علیه السلام) و جمعی از حواریون به قصر قیصر وارد شدند و بر تختی قرار گرفتند. پس از آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با عده ای از فرزندان شان داخل قصر شدند و پس از دیده بوسی با مسیح (علیه السلام)، به ایشان فرمودند، آمده ام تا دختر شمعون را برای فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) خواستگاری نمایم. پس از قبول شمعون، رسول الله (صلی الله علیه و آله) ملیکه را به عقد فرزند خویش، امام عسکری (علیه السلام) درآورد. در داستان مفصلی که در احوالات ولادت حضرت صاحب (علیه السلام) نقل شده بعد از نقل مطالب فراوان پیرامون چگونگی رسیدن وی به محضر امام هادی و ازدواج با امام حسن عسکری (علیه السلام) در ادامه می خوانیم:

شبی به او فرمود: جدت (قیصر) لشکری به طرف مسلمانان خواهد فرستاد. تو به همراه چند کنیز در زمره خدمتکاران درآی و همراه سپاه حرکت کن. پس از شکست لشکر روم، ملیکه در سلک اسرا به بغداد برده شد. امام هادی (علیه السلام) فردی را جهت خریداری ملیکه به بغداد گسیل داشت. سپس امام هادی (علیه السلام)، خواهرش حکیمه را خواست و فرمود: او را به منزل خود ببر و آداب فرایض و احکام شرع را به او تعلیم بده، که او همسر ابو محمد و مادر قائم (علیه السلام) است.

این بانوی مکرم نزد خداوند مقام بالایی داشت که به چنین شرف و منزلتی دست یافت. حضرت نرجس در حیات امام حسن عسکری (علیه السلام) در سامرا رحلت کرد.

حبابه الوالبیة

حبابه الوالبیة، (محدث، متوفی قرن 3 ه) دختر جعفر اسدی والبی، کنیه اش ام الندی یا ام البراء است. او از اصحاب امیر المؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا (علیه السلام) بود، این بزرگواران را درک کرد و به خدمتشان رسید. او نیز به «صاحبة الحصة» معروف است. کلینی به اسناد خود از عبد الکریم بن عمرو خثعمی از حبابه و البیه روایت کند که گفت: امیر المؤمنین (علیه

السلام) را در سپاه دیدم و... به آن حضرت گفتم: رحمت خدا بر شما ای امیر المؤمنین! نشانه امامت چیست؟ فرمود: آن سنگ ریزه را بده و با دستش به سنگ ریزه ای اشاره کرد آن را به آن حضرت دادم، برای من روی آن مهر زد و فرمود: ای حبابه، اگر شخصی ادعای امامت کرد و همین کار را توانست انجام دهد، بدان که او امام واجب الاطاعه است و امامی است که هر چه را بخواهد، برایش ممانعتی نیست.

حبابه می گوید: از نزد آن حضرت مرخص شدم. وقتی امیر المؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسید، نزد حسن (علیه السلام) رفتم، او در جایگاه امیر المؤمنین بود و مردم از او سؤالاتی می پرسیدند. فرمود: ای حبابه و البیه! گفتم: بله مولای من. فرمود: بیاور آنچه را داری. حبابه گوید: سنگ ریزه را به او دادم و آن حضرت مانند امیر المؤمنین (علیه السلام) بر آن مهر نهاد. سپس نزد حسین (علیه السلام) رفتم، او در مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. مرا نزد خود خواند و ملاطفت و مهربانی نمود. سپس فرمود: برای دلیلی که می خواهی نشانه ای است. آیا نشانه امامت را می خواهی؟ گفتم: بله سرور من. فرمود: بیاور آنچه داری. سنگ ریزه را تقدیم کردم و برایم بر آن مهر نهاد. زمانی بعد نزد علی بن الحسین (علیه السلام) رفتم در حالی که پیر بودم و می لرزیدم، نزدیک 113 سال از عمرم می گذشت. آن حضرت را در حال رکوع و سجود عبادت دیدم. از دیدن نشانه مایوس شدم. با انگشت سبابه به من اشاره کرد، جوانیم بازگشت. عرض کردم: ای سرور من! چه مقدار از دنیا گذشته و چه مقدار مانده است؟ فرمود: آنچه گذشته خوب است و آنچه مانده شر. سپس به من فرمود: بیاور آنچه را همراه داری. سنگ ریزه را به آن حضرت دادم و برایم بر آن مهر نهاد. سپس نزد امام باقر (علیه السلام) رفتم و بر سنگ ها مهر زد. زمانی بعد به خدمت امام صادق (علیه السلام) رفتم او نیز برایم بر سنگ مهر نهاد. پس از آن نزد امام کاظم (علیه السلام) رفتم، آن حضرت نیز برایم بر سنگ ریزه مهر زد. پس از آن نزد امام رضا (علیه السلام) رفتم و آن حضرت هم برایم بر سنگ مهر زد. حبابه نه ماه پس از ملاقات با امام رضا (علیه السلام) رحلت کرد و آن حضرت وی را در پیراهن خود کفن نمود. مجموع عمر حبابه تقریباً 230 سال بود.

قرن چهارم هجری

ام کلثوم عمری

ام کلثوم عمری، (محدث، متوفی قرن 4 ه) دختر محمد بن عثمان بن سعید العمری دومین نایب خاص حضرت ولی عصر (عج) در غیبت صغری، بانویی فاضل، و راوی حدیث بود. شیخ طوسی به اسناد خود از هبة الله بن محمد، نوه ام کلثوم از وی روایت می کند که گفت:

حسین بن روح سال های زیادی وکیل محمد بن عثمان عمری بود و بر اموال وی نظارت داشت و بزرگان شیعه را از اسرار او آگاه می کرد. وی از پدرش محمد بن عثمان و حسین بن روح نوبختی روایت می کند و ابو نصر هبة الله بن محمد نوه اش از وی نقل روایت می کند.

قرن پنجم هجری

دختر صاحب بن عباد

دختر صاحب بن عباد، (عالم، متوفی قرن 5 ه) از زنان فاضل و ادیب شیعه، وی از پدر دانشمندش ادب و دانش آموخت. صاحب، علاقه فراوانی به او داشت و نیز به دلیل محبت و احترام به سادات علوی دخترش را به ازدواج یکی از سادات علوی به نام علی بن الحسین معروف به اخو مسمعی در آورد. دختر صاحب پسری به دنیا آورد که نامش را عباد نهادند. وقتی بشارت تولد نوزاد را به صاحب دادند چند قصیده سرود که مطلع یکی از آنها چنین است:

الحمد حمدا دائما ابدا || قد صار سبط رسول الی ولدا

وی پس از سال 460 درگذشت.

دختر شیخ مسعود بن ورام

دختر شیخ مسعود بن ورام، (عالم و محدث، متوفی قرن 5 ه) از زنان دانشمند شیعه است. وی فنون ادب و علوم اسلامی، مخصوصا حدیث را از محضر پدرش شیخ مسعود بن ورام فرا گرفت. وی همسر شیخ طوسی بود و از او اجازه داشت و دارای سه فرزند بود: پسر او شیخ ابو علی از علمای شیعه است. یکی از دخترانش، دختران شیخ طوسی، همسر ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار خازن نجفی است و شیخ ابو طالب حمزة بن ابو عبد

اللّٰه محمد آل شهریار از بطن وی می باشد. از ذریه دختر دومش ابن ادريس حلی و سید بن طاووس به دنیا آمده اند.

ام ابی نصر

ام ابی نصر، (محدث، متوفی قرن 5 ه) دختر ام کلثوم بنت محمد بن عثمان عمری، که محمد بن عثمان دومین نائب خاص امام عصر (علیه السلام) بود. ام ابی نصر از بانوان عالم فاضل موثق مامون و راوی احادیث و مادر ابو نصر هبة الله بن محمد کاتب است. فرزندش ابو نصر از علما و محدثان و مؤلفان است.

قرن ششم هجری

آمنه طباطبایی علوی

آمنه طباطبایی علوی، (محدث، متوفی قرن 6 ه) از زنان محدث شیعه در قرن پنجم و ششم است. وی دختر عباد بن علی بن حمزه طباطبایی علوی بود و در اصفهان سکونت داشت و از ابو محمد رزق الله تمیمی استماع حدیث کرد.

آمنه دختر عبد الکریم بن عبد الرزاق

آمنه، (محدث، متوفی قرن 6 ه) دختر عبد الکریم بن عبد الرزاق الجنابزی، محدثه ای از محدثات قرن 5 و 6 هجری در اصفهان. زنی بسیار با صلاح و دین دار بود. عبد الکریم بن محمد سمعانی از او اخذ حدیث کرده است.

خدیجه دخترعبیری

خدیجه، (محدث و عالم، متوفی قرن 6 ه) دختر عبیری یا عنبری، از زنان فاضل معروف به فخر النساء بود. از دانشمندان مشهور عصر خویش کسب علم کرد و حدیث شنید و بسیاری نیز از وی فقه آموختند و روایت حدیث کردند. بیش از 90 سال عمر کرد و در سال 570 ه وفات نمود.

دختر سید مرتضی علم الهدی

دختر سید مرتضی علم الهدی، (محدث و عالم، متوفی قرن 6 ه) صاحب ریاض العلماء ضمن آوردن نام این بانو، او را به فضل و دانش ستوده است. وی نهج البلاغه را از عموی خود سید رضی روایت کرده و شیخ عبد الرحیم بغدادی معروف بابن الاخوه از علمای اهل سنت نهج البلاغه را از وی روایت کرده است. قطب الدین راوندی در آخر شرح نهج البلاغه اش سند خود را از طریق عامه به همین عبد الرحیم می رساند.

قرن هفتم هجری

ام علی، مادر رضی الدین

ام علی، (عالم، متوفی قرن 7 ه) مادر رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس، از بانوان گرانقدر و عالم و فاضل امامیه بود. برخی شاگردان شیخ علی کرکی در ضمن ذکر اسامی مشایخ، نام ام علی را ذکر کرده و او را ستوده اند.

شریفه، دختر علی بن طاووس

شریفه، دختر علی بن طاووس، (عالم، متوفی قرن 7 ه) افندی در ریاض العلماء نام او آورده و می گوید: او عالم فاضل، کامل، کاتب و در 12 سالگی حافظ قرآن بود. از سید بن طاووس اجازه داشت. سید در کتاب سعد السعود فرمود: این قرآن را بر دخترم شریفه که حافظ قرآن است و دوازده سال از سن او گذشته وقف کردم، ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء.

ام الخیر بغدادیة

ام الخیر بغدادیة، (محدث، متوفی قرن 7 ه) از بانوان مشهور قرن 7 هجری و معروف به حجال النساء، در بغداد می زیست. از علما و بزرگان زمان خود که تبجری داشتند پیش قدم بوده و به تدریس برای طلاب می پرداخته است. ابن بطه، ابو المظفر، کاغدی و شجاع حربی را دیده و از آنان حدیث شنیده است و به انتشار آن پرداخته است و محدثان بزرگی همچون اسماعیل بن عساکر و قاضی تقی الدین سلمان و ابن سعد و ابن شحنة و فاطمه بنت سلمان و دیگران از او اجازه گرفته اند. این بانو علاوه بر فضل و علم، زهد و ورعی بسیار داشت. چندین بار به مکه معظمه مشرف شد و در سال 640 دعوت حق را لبیک گفت.

قرن هشتم هجری

ام علی، همسر شهید اول

ام علی، (فقیه، متوفی قرن 8 ه) همسر شهید اول محمد بن مکی عاملی، بانویی عالم فاضل فقیه متقی عابد بود. مرحوم شهید اول زن ها را فرمان می داد که در احکام دین خود به ام علی رجوع نمایند.

زینب بغدادیه

زینب بغدادیه، (فقیه، متوفی قرن 8 ه) مادرش فاطمه دختر عباس بغدادی است زنی فقیهه فاضله متدین و پرهیزگار و صالح و زاهد و عابد بسیاری از زنان مصر و دمشق و بغداد از مواعظ او بهره می بردند. وی در سال 796 ه وفات کرد.

فاطمه، دختر شیخ محمد بن احمد

فاطمه، دختر شیخ محمد بن احمد، (فقیه، متوفی قرن 8 ه) صاحب ریاض می فرماید: که این فاطمه بانویی عالم، فقیه و از مشایخ سید تاج الدین محمد بن معیه حسینی بود. و شیخ شهید قدس سره توسط ابن معیه از او روایت دارد و شیخ عبد الصمد بن احمد به او اجازه داده است.

قرن نهم هجری

فاطمه، دختر شهید اول

فاطمه، (فقیه، متوفی قرن 9 ه) دختر شهید اول، ملقب به ست مشایخ. شیخ حر عاملی در کتاب أمل الامل او را چنین معرفی می کند: الانسان الخاص و زبدة الخواص و می فرماید: این زن عالم فاضل فقیه صالح و عابد بوده است و من از مشایخ مدح و ثنای او را شنیده ام، این بانو از ابن معیه که استاد پدرش، شهید اول بوده روایت دارد. پدرش او را مدح می کرد و به زنان می فرمود که به او اقتدا نمایند و در احکام به او رجوع کنند.

دهماء، دختر یحیی بن مرتضی یمنی

دهماء، (عالم، ادیب، متوفی سال 837 ه) دختر یحیی بن مرتضی یمنی، از زنان عالم فاضل بود و از برادرش مهدی

کسب علم نمود. در علم نحو و اصول و منطق و نجوم و رمل و شیمی و شعر ید طولانی داشت. برادرش مهدی کتابی بنام «الازهار» تألیف کرد و این بانو در چهار جلد به شرح کتاب وی پرداخت و شرحی نیز برای منظومه کوفی در فقه نوشت و شرحی هم بر مختصر منتهی نگاشت. این بانو مجموعه ای از کمالات بود و طلاب شهر تلا از شهرهای یمن از او استفاده علمی می بردند. وی در سال 837 در دنیا را وداع گفت.

خدیجه، دختر حسن بن علی بن عبد العزیز

خدیجه دختر حسن بن علی بن عبد العزیز، (محدث، عالم، متوفی سال 841 ه) در کتاب خیرات حسان می نویسد: این بانو عالم و محدث پرهیزگار و صالح و حافظ قرآن بود و تجوید را کاملاً می دانست و همواره به علم فقه مشغول بود و به آن اشتها داشت، از احمد بن موازینی کسب علم نموده و در سال 841 ه وفات نمود.

بلقیس، محمد بدر الدین

بلقیس، (فقیه، متوفی قرن 9 ه) دختر محمد بدر الدین بن سراج الدین بلقینی (عالم، متوفی سال 861 ه) جدش سراج الدین استاد ابن حجر عسقلانی بود. به نوشته اعتماد السلطنة: «با آنکه خانواده او همه اهل علم و فضل اند، اما وجود این زن اسباب افتخار و اشتها آنها گردیده و علم و دانش و زهد و صلاح او مشهور است... ده سال آخر عمر خود را در راه سلوک و ایقان و طریق ریاضت و عرفان طی مقامات می نموده و او را از مشایخ طریقت شمرده اند.» وی پس از 60 سالگی در سال 861 ه در گذشت.

حلیمة اسحاقیة

حلیمة اسحاقیة، (عالم و محدث، متوفی سال 861 ه) شریفه، حلیمه اسحاقیه دختر سید عز الدین اسحاقی، از خاندان سادات بنی زهره حلبیین است. این بانو از سادات عالم، فاضل و راوی حدیث بوده است. پدرش سید عز الدین اسحاقی از بزرگان اشراف در حلب بوده و خاندان بنی زهره به علم و سیادت مشهور بوده اند. سیده حلیمه، شب یکشنبه، یازدهم محرم سال 861 ه در حلب فوت کرد و در سفح جبل الجوشن به خاک سپرده شد.

آسیه، دختر جار الله صالح شیبانی طبری

آسیه، (محدث، متوفی سال 872 هـ) دختر جار الله صالح شیبانی طبری زنی صاحب کمالات و محدث بود. محمد بن محمد سخاوی و جمع دیگری به او اجازه دادند و علامه سیوطی از او اخذ حدیث کرده و به محمد بن عبد الرحمن ابن شمس الدین سخاوی اجازه داده است. وی در رجب سال 796 در مکه متولد و در سال 872 در همان شهر فوت کرد.

قرن یازدهم هجری

همسر شیخ بهایی

دختر شیخ علی منشار عاملی، (فقیه، محدث، متوفی قرن 11 هـ)، همسر شیخ بهایی، از زنان فقیه و محدث شیعه در قرن یازدهم هجری بود. پدرش در زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی (م 984 هـ)، شیخ الاسلام اصفهان بود. وی تنها فرزند خانواده بود، نزد پدرش فقه و حدیث فرا گرفت و با شیخ بهایی ازدواج کرد. روزی که به خانه همسرش رفت تعداد زیادی کتاب در علوم و فنون مختلف به همراه جهازش با خود برد. صاحب ریاض به نقل از علما و فضلاء سالخورده و معتمد که وی را درک کرده بودند می نویسد: او در کودکی فقه و حدیث و علوم دیگر را تدریس می کرد و زنان نزد او درس می خواندند. به گفته برخی از فضلاء آن زمان، وی دانش فراوان و فضل زیادی داشت. زمانی که پدرش درگذشت همه اموال و املاک، از جمله کتابهای او که چهار هزار جلد می شد به دخترش به ارث رسید. بسیاری از این کتابها را دختر منشار از هند با خود به همراه آورده بود. وی مدتی پس از مرگ همسرش زنده بوده است.

ام الخیر کاشانی، دختر ملا محسن فیض کاشانی

ام الخیر کاشانی، (فاضل، شاعر، متوفی سال 1079 هـ) وی دختر ملا محسن فیض کاشانی (1007 1091 هـ) و این بانو از زنان فاضل، شاعر و ادیب عصر خویش بود. در 15 جمادی الاخری سال 1037 در شهر کاشان به دنیا آمد و

در 27 ماه رمضان 1079 ه از دنیا رفت.

زبیده، دختر ملا صدرای شیرازی

زبیده، (عالم، ادیب، مفسر، متوفی قرن 11 ه) دختر ملا صدرای شیرازی و خواهر بدریه و صدریه از زنان عالم، فاضل، ادیب و مفسر قرن یازدهم بود. زبیده نزد پدر و خواهرش بدریه درس خواند و در ادبیات و تفسیر به مقام استادی رسید و حافظ قرآن شد. او با معین الدین محمد فسایی ازدواج کرد و از او کمال الدین محمد معروف به میرزا کمالا را به دنیا آمد. فرزندش را نیز ادبیات آموخت تا اینکه از اساتید مبرز این رشته شد.

ام ابیها، زینب دختر شاه مرتضی کاشانی

ام ابیها، زینب دختر شاه مرتضی کاشانی و خواهر ملا محسن فیض کاشانی بود (عالم، ادیب، متوفی قرن 11 ه) از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر متولد در قرن 11 هجری است. وی و در زمان خود از زنان شاعر و سخنور کاشان به شمار می رفت و زینب با یکی از عموزادگانش ازدواج کرد.

حمیده رویدشتی، دختر محمد شریف رویدشتی

حمیده رویدشتی، (عالم، رجالی، متوفی قرن 11 ه) دختر محمد شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی اصفهانی معروف به ملا شریفا است. افندی صاحب ریاض در توصیف شخصیت این بانو آورده است: او رحمة الله علیها فاضل عالم و استاد بانوان عصر خود و بازمانده فضلالی سرشناس، و در بین مردم زنی پرهیزگار بود، از او بر برخی کتابهای حدیثی مانند «استبصار» شیخ طوسی، حواشی و تدقیقاتی بر جای مانده که نشانگر نهایت فهم اوست و دلالت بر دقت نظر و اطلاع وی می کند. به خصوص در آنچه مربوط به تحقیق در علم رجال است. و من نسخه ای از استبصار را دیده ام که تا آخر کتاب را حاشیه زده بود و گمان می کنم به خط خود او بوده است، پدرم قدس سره بارها حواشی او را در حاشیه های کتب حدیث نقل می کرد و می گفت که نیکو نوشته و آن را تحسین می نمود. نسخه ای از کتاب «استبصار» در نزد ماست که حواشی حمیده به خط پدرم تا آخر کتاب صلاة بر آن است و دارای فواید نیکویی می باشد».

چنان که آمد، این بانو در شناخت علم رجال جایگاهی والا داشته است و از جمله آثار او حواشی بر کتب اخبار

است که از آن به عنوان رجال حمیده نام برده شده است. تحصیلات عمده این بانو نزد پدرش بوده. با توجه به ویژگیهای اخلاقی و علمی حمیده، پدرش او را می ستود و گاهی به مزاح می گفت: «حمیده ربطی به رجال دارد»، یعنی: به علم رجال توجه دارد و زمانی نیز به صورت شوخی او را علامته، با دو تاء می خوانده و عنوان نموده که یکی از این دو تاء برای تأنیث و دیگری علامت مبالغه است. »

به نوشته صاحب ریاض: «از مسائل شگفت آور این است که این دختر با اصرار مادرش با مردی نادان از خویشاوندان که اهل روستای رویدشت بوده ازدواج نموده است.

قرن دوازدهم هجری

خواهر ملا رحیم اصفهانی

خواهر ملا رحیم اصفهانی، (عالم، متوفی قرن 12 ه) بانویی که در برخی کتابهای تذکره از او به عنوان اخت ملا رحیم نام برده شده است، از زنان دانشمند اواخر عصر صفوی نیمه اول قرن 12 ه بوده است. شهرت پدر او «ملای کرانی» بوده و همانطور که آمد برادرش ملا عبد الرحیم نام داشته و ساکن محله کران بوده است. و سال تولد و وفات وی ضبط نشده است.

مؤلف ریاض العلماء که با وی معاصر بوده، نوشته است: این بانو الان در اصفهان سکونت دارد و از دانشمندان معروف است و من از حضور پدر و برادرش استفاده های علمی برده ام. خطش در غایت خوبی است، نسخ و نستعلیق را خوب می نویسد، بعض فوائد او را به خط خودش دیده ام که از آن جمله «شرح لمعه» را به نسخ بسیار عالی نوشته بود.

آمنه بیگم مجلسی، خواهر علامه مجلسی

آمنه بیگم مجلسی، (عالم، فقیه، محدث، متوفی قرن 12 ه) از زنان عالم، محدث و فقیه است. وی دختر ملا محمد تقی مجلسی و خواهر علامه محمد باقر مجلسی است و از زنان عالم، محدث و فقیه است.

آمنه بیگم از کمال و جمال برخوردار بود. وی در خانواده علم و فضیلت و تقوا پرورش یافت و مدارج ترقی را تا درجه اجتهاد به سرعت پیمود. پدرش، ملا محمد صالح مازندرانی را که از افاضل شاگردان خود و مردی تهیدست

ولی با تقوا و مورد احترام و علاقه و اعتمادش بود جهت ازدواج به او پیشنهاد کرد. و آمنه بیگم نیز با این بیان که «فقر و تنگدستی عیب مردان نیست»، موافقتش را با این ازدواج اعلام داشت.

آمنه بیگم زنی پرهیزگار و مجتهد بوده است. آقا احمد بهبهانی (1) او را «فاضله مقدسه مجتهد» می نامد و صاحب ریاض نیز از او اینگونه یاد می کند: «آمنه... فاضله عالمه صالحه متقیه است... شنیده ام همسرش با همه فضل و دانشی که دارد بعضی از مشکلات قواعد علامه حلی را از او استفسار می کند. آمنه خاتون خواهر استاد استناد ما (علامه مجلسی) مد ظله است.»

با توجه به اینکه صاحب ریاض این مطلب را در زمان حیات استاد خود، علامه مجلسی دوم نوشته، مؤید آن است که آمنه بیگم قبل از این تاریخ هم صاحب فضل و کمال بوده است.

مؤلف ریاحین الشریعه به استناد یک نسخه خطی ریاض العلما (موجود در کتابخانه ملک)، دو اثر به آمنه بیگم نسبت می دهد: شرح الفیه ابن مالک و دیگر شرح شواهد سیوطی. مؤلف ریاض الجنه نیز ضمن تمجید فضایل و کمالات وی می نویسد که کتابی بسیار خوب در فقه تا پایان عبادات تألیف کرده است.

علاوه بر این، وی در گردآوری اخبار بعضی از مجلدات بحار الانوار به برادرش نیز کمک می کرده است. بعدها نیز همسرش با همه علم و فضلی که داشت در حل بعضی از مسائل علمی با وی مباحثه و مذاکره می نمود. مرحوم آیت الله بروجردی که از نوادگان بزرگ آمنه بیگم بود در رساله ای که راجع به سلسله خاندان خود و انتساب آنها به خاندان های علمی شیعه نوشته، به دستخط جد اعلایش، سید محمد طباطبایی اصفهانی در پایان رساله خطی موالید پیغمبر و ائمه (علیهم السلام)، پس از نقل داستان ابن قولویه راجع به بازگرداندن حجر الاسود توسط قرامطه به مکه معظمه و نصب آن در جای خود نوشته است: «این داستان از جده ام، ثقه عالمه فاضله زاهده عابده، آمنه، از پدرش علامه مولی محمد تقی مجلسی نقل شده است.» این مطلب مبین آن است که آمنه بیگم چه پایگاه والایی در نزد بزرگان علما داشته است.

وی مادر فرزندان عالم و نوادگان بزرگ است که از میان آنها تاکنون دهها مجتهد، مرجع تقلید و دانشمند بلند آوازه دینی برخاسته اند. تاریخ فوت آمنه بیگم مشخص نیست.

دختر ملا عزیز الله مجلسی

دختر ملا عزیز الله مجلسی، (عالم، فقیه، محدث، متوفی قرن 12 ه) نوه ملا محمد تقی، مجلسی اول و برادر زاده علامه مجلسی بوده است. از زنان محدث و فقیه در خاندان علم و فضیلت و تقوا پرورش یافت و فقه و حدیث را فرا گرفت. مؤلف ریحانة الادب، او را از ارباب کمال، بلکه در شمار علما و (صاحب) رساله های متعدد در مسائل فقهی دانسته و یک حاشیه بر کتاب من لا یحضره الفقیه به او نسبت داده است.

ام سلمه کاشانی

ام سلمه کاشانی، (عالم، محدث، شاعر، متوفی سال 1114 هـ) فاطمه کاشانی مکنی و مشهور به ام سلمه، از زنان عالم، فاضل، محدث، ادیب و شاعر عصر خود بوده است. وی دختر شیخ محمد علم الهدی و نوه ملا محسن فیض کاشانی بود. این بانو مقدمات علوم اسلامی را از خواهرانش و فقه و اصول را از عموهای خود، ابو حامد محمد مشهور به نور الهدی و معین الدین احمد فرا گرفت و به تکمیل علوم نزد پدرش پرداخت. فاطمه از پدر و دو عمویش اجازه روایت داشت و از آنان روایت می کرد. همسر وی زین الدین علی از بستگان او بوده است. وی در شهر کاشان رخت از جهان بربست.

دختر مولی رحیم اصفهانی

دختر مولی رحیم اصفهانی، (عالم، زنده تا سال 1130 هـ) از زنان عالم و نویسنده، ساکن محله کران اصفهان بود. علوم و فنون اسلامی را نزد پدر و برادرش فرا گرفت. صاحب ریاض که معاصر او بوده است وی را از دانشمندان و نویسندگان زمان خود یاد کرده و برخی از آثارش را به خط او دیده است، از جمله شرح لمعه که در نهایت زیبایی بوده است. وی به خط نسخ و نستعلیق می نوشت. وی تا سال 1130 زنده بوده است.

ام سلمه بیگم شیرازی

ام سلمه بیگم شیرازی، (عارف، عالم، زنده تا سال 1163 هـ) از بانوان دانشمند است، وی کتاب جامع الکلیات را در سیر و سلوک و عرفان به زبان فارسی در چهارده مقاله تألیف کرده است.

فاطمه رویدشتی

فاطمه رویدشتی، (عابد و فاضل، متوفی قرن 12 هـ) دختر حمیده رویدشتی و از زنان عابد و فاضل است. صاحب ریاض که معاصر او بوده شرح حالش را چنین می نویسد: این دختر هم مانند مادرش فاضل، عالم عابد با تقوا بود و اطلاعی ندارم که تألیفی داشته باشد. او نیز استاد زنان عصر خود بود. وی اغلب اوقات در خانه خاندان وزیر مرحوم، خلیفه سلطان در اصفهان است.

آمنه خانم اصفهانی

آمنه خانم اصفهانی، (عالم، فاضل، متوفی قرن 12 ه) از زنان فاضل و عابد و زاهد و از سادات عالی قدر و خواهر امیر صالح خاتون آبادی داماد علامه مجلسی بود. شهرت سیادت آل شریف به سبب سیادت همین آمنه خانم بوده است. او همسر شیخ عبد الکریم صغیر اصفهانی، مادر شیخ باقر نجفی و مادر بزرگ محمد حسن صاحب الجواهر است.

قرن سیزدهم هجری

رقیه خانم دختر آقا محمد علی بهبهانی

رقیه خانم، (عالم، فاضل، متوفی قرن 13 ه) وی دختر آقا محمد علی بهبهانی و مادرش، دختر الله وردی بیگ بیگدلی از زنان عالم و فاضل بود. وی با عموزاده خود، آقا عبد العلی ازدواج کرد. مدتی پس از آن پدرش درگذشت. رقیه خانم در آخر عمر مجاورت کربلا اختیار نمود و هم در آنجا در گذشت.

ملا فضه فرزند شیخ احمد بلاغی

ملا فضه، (عالم، ادیب، زنده تا سال 1249 ه) فرزند شیخ احمد بلاغی و همسر شیخ حسن بلاغی از زنان عالم، فاضل، ادیب و خوشنویس بود. به نوشته اعیان الشیعه، وی قرآن و ادبیات عربی را نزد پدرش و فقه و اصول را نزد علمای خانواده اش فرا گرفت و از آنان اجازه دریافت کرد. سرپرستی تدریس اصول و فقه و حدیث را بر عهده داشت و بعضی از طلاب در درس او حاضر می شدند و برخی علما کتاب قوانین میرزای قمی را نزد او خواندند، زیرا او از میرزا اجازه داشت. به نوشته حسن صدر در تکمله امل الامل، این بانوی فاضل و جلیل خط خوشی داشت و خانواده اش از راه

استنساخ او امرار معاش می کردند. بعضی کتابها را به خط خودش نوشته است که از جمله آنها کشف الغطاء و کفایه حاج ملا هادی سبزواری است. وی تا ذو القعدة 1249 زنده بوده است.

نوری جهان، فرزند حاج عبد الغفار تهرانی

نوری جهان، (عالم، فاضل، زنده تا سال 1224 هـ) فرزند حاج عبد الغفار تهرانی و از زنان فاضل بود. وی کتاب نجات المسلمات را به خواهش جمعی از زنان نوشت و آن را به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول در احکام و اعمال لازم برای بانوان که آن را از کتابهای مجتهدان گردآوری کرد، و بخش دوم آداب اخلاقی لازم برای ایشان که از کتاب حلیة المتقین علامه مجلسی انتخاب نمود. وی تا سال 1224 زنده بوده است.

آمنه بیگم حائری، دختر آقا محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی

آمنه بیگم حائری، (مجتهد، متوفی سال 1243 هـ) دختر آقا محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی. وی شاگرد پدر خویش و همسر سید علی طباطبایی صاحب ریاض و مادر سید محمد مجاهد و سید مهدی طباطبایی بود. از تألیفات او مبحث حیض از کتاب ریاض همسر خویش است. وی به سال 1243 هـ در کربلا در گذشت و نزد فرزندش سید محمد مجاهد دفن شد.

ام کلثوم برغانی، دختر شهید ثالث

ام کلثوم برغانی، (فقیه، فاضل، متوفی سال 1268 هـ) دختر شیخ محمد تقی معروف به شهید ثالث است. وی مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب را نزد عمه پدرش ماه شرف آموخت، سپس فقه و اصول را از پدر و عمویش شیخ محمد صالح برغانی فرا گرفت و در حکمت و فلسفه در درس ملا آقا حکمی قزوینی حاضر شد. ام کلثوم با پسر بزرگ عمویش شیخ عبد الوهاب برغانی ازدواج کرد. او در قزوین، تهران و کربلا برای زنان حوزه درس داشت. کتابخانه اش را برای همه طلاب علوم دینی وقف کرد و تولیت آن را به همسرش و پس از وفات او به برادر همسرش شیخ حسن قرار داد. از تألیفات اوست تفسیر سوره فاتحة الكتاب می باشد. وی در حدود سال 1268 وفات نموده است.

آمنه خانم قزوینی، دختر شیخ محمد علی قزوینی

آمنه خانم قزوینی، (مجتهد، عابد، متوفی سال 1269 ه) و دختر شیخ محمد علی قزوینی از علمای قزوین، و نوه سید حسین قزوینی و مادرش ربابه خانم بود. در حدود هفده سالگی با شیخ محمد صالح برغانی ازدواج کرد. او در آغاز نزد برادرش شیخ عبد الوهاب قزوینی درس خواند، سپس در درس فقه و اصول همسرش حاضر شد و حکمت و فلسفه را از ملا آقا حکمی قزوینی در مدرسه صالحیه فرا گرفت و در درس شیخ احمد احسائی در قزوین حضور یافت تا اینکه به درجه بالایی از علم و فضل رسید. همسرش، ملا محمد صالح، زنان را در احکام و مسائل شرعی به رجوع و عمل به دستورات او سفارش می کرد. آمنه خانم حوزه درسی برای زنان در کربلا و قزوین برپا کرد. وی از همسر و برادرش و شیخ احمد احسائی اجازات مفصلی داشت. از آثار او قصیده ای طویل در چهارصد و هشتاد بیت از زبان حضرت زینب (علیها السلام) در حوادث کربلا و بعضی رساله های دیگر است. بسیاری از مردان و زنان این خانواده اهل علم و فضل و تقوا بودند. وی در سال 1269 جهان را بدرود گفت.

سیده فاطمه قزوینی، دختر سید حسین قزوینی

سیده فاطمه قزوینی، (عالم، مفسر، محدث، متوفی سال 1270 ه) دختر سید حسین قزوینی بود. او نزد پدرش و سید محمد مهدی بحر العلوم و عمویش سید حسن قزوینی درس خواند و هنگامی که به سن رشد و کمال رسید با شیخ محمد علی فرزند شیخ عبد الکریم قزوینی ازدواج کرد. سپس در درس فقه و اصول و حدیث همسرش حضور یافت تا اینکه در اغلب علوم حدیثی و عقلی نابغه شد. علاوه بر این او حافظ قرآن و خطیب و سخنور ماهری بود، منبر می رفت و صدایی بلند و رسا داشت و در وعظ و خطابه توانا بود. فاطمه سخنرانی می کرد و درس می داد و زنان از مجلس درس، وعظ و سخنرانی او استفاده می کردند. وی بسیار پارسا و با تقوا بود، وی سه پسر داشت که همه از علمای زمان خود بودند. دخترش آمنه خانم قزوینی نیز همانند مادر، از زنان عالم، فاضل، ادیب و شاعر بود. وی در سال 1270 جهان را بدرود گفت.

سلطان خانم

سلطان خانم، (عالم، محدث، زنده تا سال 1294 هـ) پدرش آزادخان نایب چاپارخانه یزد و کرمان بود. سلطان خانم دو کتاب تألیف کرد: نخست مجمع الاحادیث در شرح بعضی مسائل دینی و احادیث مشکل به صورت پرسش و پاسخ، که در ذیحجه سال 1293 هـ نوشت. دیگر انوار التحقیق که مشتمل بر سه مقاله در عرفان است و در شوال 1294 هـ به خط شکسته نستعلیق نوشته است. وی تا سال 1294 زنده بوده است.

نسمه خاتون، دختر شیخ جعفر نجفی

نسمه خاتون [یا حبابه]، (عالم، زاهد، متوفی سال 1295 هـ) دختر فقیه نامور شیخ جعفر نجفی مشهور به کاشف الغطاء و همسر شیخ محمد تقی ایوان کیفی معروف به نجفی صاحب «حاشیه بر معالم» بوده است. او را زنی فاضل، عالم، زاهد، با منزلت و کفایت توصیف کرده اند. از فرزندان او یکی حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی و دیگری شهربانو خانم بوده است. شهربانو خانم از زنان صالح و عابد بود. نسمه خاتون در حدود سال 1295 هـ در اصفهان وفات یافت و در قبرستان تخت فولاد در تکیه مادر شاهزاده و برابر قبر شوهرش مدفون گشت.

پی نوشت ها:

1. به نوشته آقا احمد بهبهانی در مرآت الاحوال جهان نما، ملا محمد صالح در شب زفاف پس از شکر و حمد الهی به گوشه ای رفت و تا پاسی از شب مشغول مطالعه شد و صبح زود برای مباحثه یا تدریس از خانه بیرون رفت و آمنه بیگم که ناظر کار وی و متوجه مشکل علمی او شده بود پس از رفتن همسرش حل آن را بر روی کاغذی نوشت و در لای کتاب گذاشت. شب بعد که ملا محمد صالح کتاب را گشود و نوشته را دید و دانست که از همسر فاضله اوست سجده شکر به جا آورد و تا صبح مشغول عبادت و مطالعه شد و بدین ترتیب تا سه شب زفاف به تأخیر افتاد.